

متن پیاده سازی شده جلسه هفتاد و دوم سال چهارم درس خارج فقه القضا 14 اسفند ماه 1400

بسم الله الرحمن الرحيم

درس اخلاق؛

قَالَ الْإِمَامُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِرَجُلٍ اغْتَابَ عِنْدَهُ رَجُلًا يَا هَذَا كَفَّ عَنِ الْغَيْبَةِ فَإِنَّهَا إِدَامٌ كِلَابِ النَّارِ.

شخصی در حال غیبت کردن بوده است، که امام علیه السلام به او می‌گویند: دست از غیبت کردن بردار چرا که خورشست سگان جهنم است.

در آستانه‌ی میلاد با برکت امام حسین، امام سجاد و آقا ابوالفضل و در نهایت میلاد امام زمان علیهم صلوات الله اجمعین هستیم.

همه می‌دانیم غیبت گناهی پر توجیه و قبح خود را از دست داده است و همچنین کم خرج است و نیاز به دادگاه و پلیس هم ندارد. یکی از عجیب ترین کلمات در مورد غیبت روایت مذکور از امام حسین علیه السلام است که شاید مُلهم از قرآن شریف باشد. آن چه امام علیه السلام بیان فرمودند تشبیه نیست بلکه واقعیت است که اگر چشم برزخی باشد اکنون هم این‌گونه است. چرا سگ و خورشست بیان شده است در روایت؟ خورشست زمانی که در سفره می‌آید غذا را خوش مزه می‌کند و اشتها و زمان خوردن را زیاد می‌کند. آیا این نکات در غیبت نیست؟ جلسه از کسلی رها، زمان جلسه زیاد و اشتها حُضار در آن جمع، زیاد می‌شود.

از طرفی هم سگ درنده و گوشت خوار و اهلی است، شخص غیبت کننده هم این‌گونه است؛ یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ... وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَوْ يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ، از طرفی گرگ مثال زدند بلکه سگ را فرمودند چون اهلی و خانگی است و مطلع است، آدم غریبه که غیبت کسی را نمی‌کند!

سوگمندان باید گفت: حال ما طلبه‌ها و غیر طلبه و از هر گروه و صنفی که باشیم اصلاح طلب یا اصول گرا خوب نیست؛ غیبت پر توجیه شده و به اسم افشاگری غیبت می‌کنیم. از تریبون‌ها و افراد با نفوذ هم کسی را ندیدیم متذکر شود و حساس باشد. فرشتگان می‌گویند: این تذهیبون. بدرفتاری‌ها و بد کلامی‌ها که در بین ما طلبه‌ها متاسفانه رشد نموده است در مقابله به مثل هم در صورت جواز فقط به خود شخص باید برگردد. آقایان آیات، روایات و دروس اخلاق کجا رفته است نکند برخی درس اخلاق‌ها نیز از معیار خود تنزل پیدا کرده است.

صاحب قیامت برای حسابرسی هیچ عجله‌ای ندارد؛ وَ وُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَ يَقُولُونَ يَا وَ لَنَّا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَ وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَ لَا يَظُنُّ رُبُّكَ أَحَدًا، سوره كهف: 49، فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ، سوره زلزله: 7 و 8، الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَ تُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ، سوره يس: 65؛ در ذیل آیه‌ی آخر روایت است مجرم را حاضر می‌کنند و بعد با پررویی می‌گویند: اینان همه از طرف تو هستند و به نفع تو شهادت دادند! این جا است که اعضا و جوارح شهادت می‌دهند و در آخر انسان گله خود را به اعضایش می‌کند: وَ قَالُوا لَجَلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَ هُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ، سوره فصلت: 21؛ نکند این روایات و آیات را به فراموشی سپرده‌ایم؟! نگفتند یا کمتر گفته شده یا به فراموشی سپرده‌ایم؟

امیدواریم به برکت تقسیم روزی‌ها در این ماه بزرگ – که برخی ادله دال بر این معنا است – روزی همه‌ی ما و خصوصاً اهل علم بیشتر از پیش شود ان شاء الله تعالی.

## ادامه درس:

بیان شد: هرگاه مستند و پدیده حکم قاضی زیر سوال برود، حکم باید کنار گذاشته بشود و فرقی بین قبول و عدم قبول قاعده درأ نیست خصوصاً اگر مستند حکم قاضی معتبر بوده باشد مانند این که سند رسمی ارائه شده الان جعلی بودن آن محرز شده است؛ اما کلام در پدیده غیر معتبر شاید باشد؛ قاضی بواسطه بینه حکم به مطالبی کند ولی بعد به عدالت آن شهود شک کند یا قاضی بواسطه‌ی تجمیع شواهد به حکمی برسد ولی بعداً برخی شواهد زیر سوال برود و دیگر علم آور برای قاضی نباشد. بیان شد هرگاه سند قضایی بموجب ریب و شک نیز از بین برود دیگر حکم سابق قابل عمل نیست.

در این مورد ممکن است کسی بین قبول قاعده درأ و غیر آن فرق بگذارد بنابراین اگر قاعده درأ را قبول نمودیم حکم قضایی را کنار بگذاریم وگرنه حکم باقی باشد و فضلالی درس مستحضر هستند که حکم قضایی در اسلام خیلی قوی است و به اندک مناسبت کنار نمی‌رود.

در معنای شبهه برخی گفته‌اند: جاهل قاصر و مقصر غیر ملتفت شبهه‌ی دارئه در حقتش جاری است ولی مقصر ملتفت خیر. نکته‌ای عرض کنیم خدمت فضلالی عصر در مورد مقصر غیر ملتفت اگر قاعده درأ را نیز نپذیریم خدشه‌ای بر کنار گذاشتن حکم، زده نمی‌شود.